

کتاب الزکاة

زکات مال

زکات بر چه کسی واجب است؟(شرایط زکات دهنده).
اموالی که زکات برآن واجب است(نه چیز در سه دسته).

- اول و دوم : فقیر و مسکین
- سوم:عاملون
- چهارم:مولفة القلوب
- پنجم:آزادی بردگان

افرادى كه زكات به آنها تعلق مى گيرد(مستحق زكات هشت صنف اند لقوله تعالى: إِنَّمَا الضَّكَاةُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ).

افرادى كه زكات به آنها تعلق مى گيرد و شرايط آن

ششم:بدهكاران

بدهكارانى كه توانايى بازپرداخت بدهى خود را ندارند (اگر چه فقير نباشند) به شرط اينكه مال قرضى را در معصيت مصرف نكرده باشند

(لخير محمد بن سليمان عن الإمام الرضا عليه السلام فيقضي عنه ما عليه من سهم الغارمين إذا كان أنفقه في طاعة الله، فإن كان أنفقه في معصية الله فلا شيء على الإمام)

به بدهكارى كه مال قرضى را در معصيت خدا مصرف كرده نعى توان از سهم بدهكاران زكات داد ولي در صورت فقير بودن مى توان از سهم فقراء به او زكات داد به شرط آنكه توبه كرده باشد(اگرعدالت و توبه را در فقير فاسق شرط بدانيم)و يا از سهم سبيل الله به او زكات داد(اگر سبيل الله را جهاد بدانيم).

لأنه فقير عاجز عن أداء الدين الذي هو من المنونة

حكم بدهكارى كه معلوم نيست مال قرضى را در راه حلال مصرف كرده يا در راه حرام(مجهول الحال)؟ففيه قولان

جائز نيست از سهم بدهكاران به او زكات دهند

به دليل روايت مرسل از امام رضا عليه السلام و شك در تحقق شرط(شرط پرداخت زكات به بدهكار اين است كه مال قرضى را در معصيت مصرف نكرده باشد).

عن إسماعيل بن سعد الأشعري عن مولانا الرضا عليه السلام قال: سأئنه عن الزكاة هل توضع فيمن لا يعرف؟ قال: لا، و لا زكاة الفطرة(به نقل از جواهر).

كتب فقهي اين روايت را مستند يحت پرداخت زكات به مخالف قرار داده اند فتأمل

جائز است از سهم بدهكاران به او زكات داد

به دليل اصل صحت عمل مسلمان(و هو قوى).

مبنى القولين هو أن جواز الدفع هل هو مشروط بالصرف في الطاعة، أو أن الصرف في المعصية مانع، و إن شئت قلت: هل القيد الملحوظ في المقام وجودي أو عديمي؟فعلی الأول: لا يجوز الدفع عند الشك، لوضوح لزوم إحراز الشرط و على الثاني: يجوز لأصالة عدم المانع و كيفما كان، فلا بد من مراجعة الألة لاستظهار أن الاعتبار يأتي من النحوين..و هي ظاهرة في المانعية(موسوعه ج 24 ص 96).

تقصا در زكات جائز است يعنى طلبكار طليش از بدهكار بدهكارى كه توان پرداخت بدهى خود را ندارد(را به عنوان زكات محاسبه كند اگر چه قبض و اقباضى هم انجام نگیرد

لأخبار منها: صحيح عبد الرحمن بن الحجاج (سألت أبا الحسن الأول عليه السلام عن دين لي على قوم قد طال حبسه عندهم لا يقدرون على قضائه و هم مستوجبون للزكاة، هل لي أن أدعه فاحتسب به عليهم من الزكاة؟ قال عليه السلام: نعم).

مقصود از «ابوالحسن» يا قيد الاول و در بیشتر موارد به صورت مطلق و يا قيد الماضى، امام موسى كاظم عليه السلام) مى باشد و اگر مقيد به «ابو الحسن الرضا يا ثاني» باشد، مقصود امام رضا عليه السلام) است و اگر مقيد به «ابو الحسن ثالث» بود، مقصود امام هادى عليه السلام) خواهد بود

همچنين جائز است كسى كه زكات به گردن دارد آنرا بابت بدهى شخص بدهكار به طلبكار بدهد

حكم تقاضا در زكات از ميت بدهكار فيه قولان

تقاضا از ميت بدهكار به عنوان زكات صحيح است به شرط اينكه كه اموالش به اندازه بدهى او نباشد و يا اگر هست وراثت از بدهى اطلاع ندارند و يا انكار مى كنند و امكان اثبات شرعا و يا گرفتن طلب با تقاضا كردن نيست

للأخبار منها: صحيح عبد الرحمن بن الحجاج (سألت أبا الحسن عليه السلام عن رجل عارف فاضل توفي و ترك عليه ديناً لم يكن بمفسد و لا مسرف و لا معروف: المسألة، هل يقضى عنه من الزكاة الألف و الألفان؟ قال نعم).

قيل:تقاضا جائز است مطلقا(چه اموالش به اندازه بدهى او باشند يا نباشند) مطابق اين مبنا كه با مرگ بدهكار تمام ماترك (حتى قبل از آداء ديون) به ورثه منتقل مى شود و در اين صورت ميت فقير مى گردد

رد شهيد ثانی بر اين ديدها:اين ديدها ضعیف است چرا كه مطابق این مبنا(انتقال ماترك حتى قبل از آداء ديون به وراثت)باز هم تصرف وراثت متوقف بر پرداخت ديون ميت است بنابراین ميت بعد از مرگش فقير و مستحق زكات نيست

لكن ظاهر الآية أن الانتقال بعد قضاء الدين و الوصية رك نساء/ 12

حكم تقاضا در زكات از واجب النفقه(واجب النفقه انسان به انسان بدهكار باشد).

جائز است تقاضا زكات از واجب النفقه بدهكار چرا كه آنچه بر طلبكار واجب است پرداخت مونه و نفقه است نه پرداخت بدهى هاى واجب النفقه

لأن واجب النفقة كالأجنبي بالنسبة لوفاء الدين (فتشمله الألة السابقة و لصحيح إسحاق بن عمار سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل على أبيه دين، و لأبيه منونة، أ يعطي أباه من زكاته يقضي دينه؟ قال: نعم (و من أحق من أبيه

همچنين جائز است پرداخت زكات به واجب النفقه برای اينكه او بدهى اش را به شخص ديگرى آداء كند

همچنين جائز است پرداخت غير بدهى هاى واجب النفقه خود را به عنوان زكات مانند پرداخت نفقه همسر پسر انسان چرا كه نفقه همسر فرزند انسان به انسان واجب نيست

هفتم:فى سبيل الله

هشتم:ابن السبيل

Central Topic